



ویژگی‌های اسناد کافی

ابهام در مراد از اسناد بسیار است.

- در آغاز اسناد کافی، گاه ضمیری بکار رفته که بطور طبیعی باید به نفر نخستین سند قبل باز گردد، ولی در موارد بسیاری ضمیر به وسط سند قبل بازگشته است که حاکی از مصدر کافی تلقی می‌گردد. فاصله افتادن بین ضمیر و مرجع آن در مواردی از کافی دیده شده است که نوعی اشتباه از مؤلف یا غلط از ناسخان به نظر می‌رسد.

- اشارات کافی با جملاتی همچون «بهذا الإسناد» معمولاً در جایی است که نام پس از این عنوان در سند قبل به کار رفته باشد.

- عبارت «پاسنده» غالباً به معنای بهذا الإسناد است.

- گاه کلینی در پایان روایت سند جدیدی برای روایت آورده با کلمه «مثله» بدان اشاره می‌کند.

- در کافی اسناد تحویلی بسیار دیده می‌شود، در این اسناد به جای عطف یک راوی به یک راوی، عطف دو طبقه راوی بر دو

- اسناد کافی معمولاً اسناد کاملی است که از اسناد مؤلف آغاز شده و به معصوم علیه السلام منتهی می‌گردد. در آغاز سند، تنها نام راوی بدون هیچ عبارت روایتی و نوع سند عنعنه می‌باشد.

- در کافی حالات ویژه‌ای در سند دیده می‌شود: تعلیق، اضمار، اشاره، تحویل، که در کتاب توضیح الأسناد به تفصیل درباره آنها سخن گفته‌ایم.

- در بسیاری از اسناد کافی، اوائل سند حذف شده است، به این کار تعلیق گفته می‌شود، تعلیق در کافی به اعتماد اسناد قبلی صورت گرفته است.

- معمولاً علت تعلیق اخذ از کتب است و کسی که در اول اسناد معلق واقع است مؤلف کتاب مصدر احادیث است.

- تعلیق بدون اعتماد به اسناد قبل، در اسناد ذیلی کافی گاه دیده می‌شود، در این گونه اسناد که به عنوان ذکر سند جدید و گاه برای اشاره به اختلاف در نقل آمده. انقطاع در آغاز یا پایان سند و

طبقه راوی یا عطف سه طبقه راوی بر سه طبقه راوی یا عطف یک طبقه راوی بر دو طبقه یا بالعکس یا... بکار رفته است.

- در اسناد تحویلی کافی، نوعاً در قسمت طریق به کتب، تحویل رخ داده و نام مؤلف کتاب مصدر پس از تحویل قرار گرفته است، یا پس از تحویل نام کسی قرار گرفته است که به اعتماد اجازه عامه به روایات وی در سند «تبدیل» رخ داده است.

- تحویل در اسناد کافی، معمولاً با قرآینی چون «جمیعا»، رفع اسم شناخته می‌گردد و بهترین و مؤثرترین روش برای شناخت اسناد تحویلی کافی، مراجعه به سایر اسناد مشابه کتاب (و یا کتب دیگر) است.

- مفاهیم تعلیق، تحویل، اضمار، اشاره در «اسناد ویژه» را در مقالی مستقل با ذکر مثال‌های متنوع روشن ساخته‌ایم، بحث از کیفیت شناخت این گونه اسناد و انواع مختلف آنها و قواعد مربوط به آنها در این مقال نمی‌گنجد.

ما تنها در این جا به چند بحث لازم اشارتی گذرا می‌کنیم.

احمدبن محمد در آغاز اسناد کافی

با توجه به این که دو نفر از مشایخ کلینی به نام احمدبن محمد هستند (احمدبن محمد العاصمی و احمدبن محمدبن سعید)، و در سایر طبقات سند نیز با این نام بسیار برخورد می‌کنیم، همچون احمدبن محمدبن عیسی اشعری و احمدبن محمدبن خالد برقی در طبقه مشایخ کلینی و نیز احمدبن محمدبن ابی‌نصر که با دو واسطه از وی در کافی روایت می‌شود، شناخت احمدبن محمد در آغاز اسناد کافی بسیار ضروری است، چه مراد از وی گاه مشایخ مستقیم کلینی است و سند معلق نیست، ولی گاه مراد افراد دیگر است و سند معلق است.

شناخت مراد از احمدبن محمد در صورتی که نام وی در سند قبل در میانه سند آمده باشد، اهمیت بیشتری دارد، برای روشن ساختن این عنوان باید به مشایخ وی مراجعه کرد، مراد از احمدبن محمد - شیخ کلینی - که بدون قید ذکر شود، احمدبن محمد عاصمی است. وی از علی بن الحسن بن علی بن فضال (علی بن الحسن ض علی بن الحسن بن علی ض علی بن الحسن التیمی





ض علی بن الحسن التیمی) و از محمد بن أحمد النهدی (حمدان القلانسی) بسیار روایت می کند.

احمد بن محمد بن خالد (احمد بن ابی عبد الله ض احمد بن محمد البرقی) از کسانی چون پدرش و عثمان بن عیسی و نیز ابن فضال (ض الحسن بن علی بن فضال) و ابن محبوب (الحسن بن محبوب) و محمد بن علی (محمد بن علی الکوفی ض محمد بن علی الهمدانی ض ابی سمینه) بسیار روایت می کند. احمد بن محمد بن عیسی نیز از همین طبقه و از کسانی چون ابن محبوب و حسین بن سعید (حسین) و نیز علی بن الحکم و ابن فضال روایت بسیار دارد.

از احمد بن محمد بن ابی نصر هم هیچ گاه در آغاز اسناد کافی با عنوان احمد بن محمد و به گونه تعلیق یاد نشده است.

تذکر: عدم توجه به این نکات سبب شده که گاه در مصادر متأخر سند معلق، غیر معلق گرفته شده است، همچون: تہذیب ۴: ۱۴۶/۵۵ (محمد بن یعقوب عن احمد بن محمد عن علی بن الحکم)، این روایت در کافی ۳: ۲/۵۵۱ به گونه معلق نقل شده و قبل از سند فوق این سند دیده می شود: عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن عیسی عن بر عکس، گاه سند غیر معلق، معلق فرض شده است، مثال:

وسائل ۱۷: ۲۲۴/۲۳۶ و عنہم عن أحمد بن محمد عن علی بن الحسن التیمی، مرجع ضمیر در «عنہم»، عدة من أصحابنا است، ولی افزودن این عبارت به سند اشتباه است، این روایت در کافی ۷: ۲/۲۵۸، أحمد بن محمد عن علی بن الحسن التیمی (در نسخه چاپی الحسن به الحسن تصحیف شده است).

قبل از این روایت این سند قرار دارد: عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد عن عثمان بن عیسی، و گمان رفته که سند دوم معلق بر سند نخست است با این که چنین نیست، احمد بن محمد در سند اول، احمد بن محمد بن خالد یا احمد بن محمد بن عیسی است و در سند دوم، احمد بن محمد عاصمی نظیر این سند در کافی ۵: ۲/۱۰۲ نیز دیده می شود که در وسائل ۲۷: ۲۹۵/ذیل ۳۳۷۸۲ به درستی فهمیده شده است، و همین طور در موارد دیگر. دو نمونه از عدم فهم صحیح سند کافی به جهت اشتباه نسخه:

نمونه اول: کافی ۱: ۵۴۷:

محمد بن یحیی عن محمد بن الحسن بن احمد بن محمد بن

ابی نصر...

محمد بن الحسن و علی بن محمد عن سهل بن زیاد...

در برخی نسخه های کافی از جمله نسخه چاپی نام «الحسن» در سند دوم به «الحسین» تصحیف شده، لذا صاحب وسائل سند را معلق انگاشته آن را بدین شکل در وسائل ۹: ۱۲۵۹۵/۵۰۷ آورده است:

محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی عن محمد بن الحسن و عن علی بن محمد بن عبد الله عن سهل بن زیاد جمیعاً عن علی بن مهزیار... .

افزودن «عن» بعد از او رسم متعارف صاحب وسائل است که در اسناد تحویلی چنین رفتاری در پیش می گیرد، ولی افزودن «بن عبد الله» در وسائل مرسوم نیست و ظاهراً از غلط نسخه است. علی بن محمد در این سند علی بن محمد کلینی است و در سند تعلیق یا تحویل وجود ندارد، بلکه سند کاملاً عادی است. نمونه دوم:

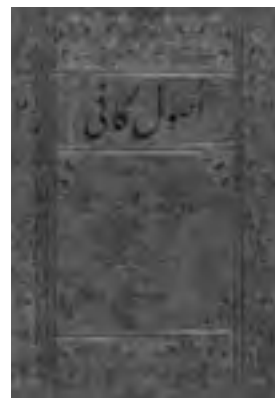
کافی ۴: ۳۳۹ و ۳۴۰ محمد بن یحیی عن احمد بن محمد عن الحسن بن سعید...

محمد بن احمد عن محمد بن اسماعیل...

صاحب وسائل سند دوم را در وسائل ۱۲: ۱۶۵۱۲/۳۶۱ به نقل از محمد بن یحیی از محمد بن احمد از محمد بن اسماعیل آورده است، با این که ظاهراً سند دوم مصحف بوده و نسخه درست به احتمال زیاد «محمد عن احمد» می باشد، مراد از محمد، محمد بن یحیی، و مراد از احمد، احمد بن محمد بوده و سند معلق نیست.

سهل بن زیاد در آغاز اسناد کافی

سهل بن زیاد در آغاز اسناد بسیاری از کافی واقع است که با توجه به ذکر وی در سند قبل تعلیق سند واضح است، ولی در



«یاسناده» در آغاز اسناد کافی

این تعبیر در اسناد زیادی آغازگر حدیث می‌باشد، قرائن همچون ظاهر سیاق احادیث و مصادر دیگری که روایت را نقل کرده‌اند نشان می‌دهد که این عبارت به معنای «بهذا الإسناد» است. توضیح این که پس از این عبارت گاه نام راوی قرار می‌گیرد؛ همچون و یاسناده عن علی بن ابی حمزة (کافی ۴: ۵/۵۰۲) و گاه نام معصوم علیه السلام، همچون و یاسناده قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله (کافی ۲: ۶/۷۹ و ۱۴/۲۶۳ و ۸/۲۹۵ و موارد دیگر).

در قسم نخست در تمامی موارد در سند قبل نام راوی آغاز سند مورد بحث آمده است، این امر نشان می‌دهد که مراد از «یاسناده» اشاره به سند قبل است که همواره نام راوی در سند قبل آمده نمی‌تواند تصادفی باشد.

به عنوان نمونه، کافی ۶: ۱۳/۱۸۸ - محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد عن ابن محبوب عن مالک بن عطیة... و یاسناده عن ابن محبوب عن مالک بن عطیة... در قسم دوم غالباً سیاق روایات نشان می‌دهد که کلمه «یاسناده» اشاره به سند قبل است، مثال: کافی ۵: ۲/۳ - علی بن ابراهیم عن ابيه عن النوفلي عن السكوني عن ابي عبدالله عليه السلام قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله...

و یاسناده قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله... شبیه تعبیر حدیث ۳، پس از سند معروف به سکونی، بسیار تکرار شده است (مثلاً ۲: ۶/۷۹، ۱۴/۲۶۳، ۸/۲۹۵، ۳/۳، ۹/۴۹، ۳/۵۱، ۹/۱۴۳ و...).

در هر دو قسم روایت یا شبیه آن در جای دیگری از کافی یا مصدر دیگر به گونه‌ای نقل شده که اشاره بودن این عبارت را روشن می‌سازد، محدثان بزرگ همچون شیخ طوسی و مرحوم مجلسی و شیخ حر عاملی هم نوعاً سند را همان سند پیشین دانسته‌اند.

مثال اول:

کافی ۲: ۱/۱۱۸ - عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد عن أبيه عن ذكره عن محمد بن عبد الرحمن بن أبي ليلى عن أبيه عن أبي جعفر عليه السلام قال إن لكل شيء قفلاً و قفل الإيمان الرفق.

مواردی چند در سند قبل نام وی دیده نشده است (۳: ۱۶/۱۳۵، ۱/۱۶۵، ۲/۱۶۶، ۴: ۳/۱۳، ۷/۸۲، ۵/۱۷، ۱۲/۱۸۷، ۵/۴۹۳، ۶: ۱۴/۶۰، ۷/۳۲۳، ۹/۳۲۴، ۱۷/۴۳۴ - ۲۱، ۷/۴۷۴ و ۸، ۵۱۶/ذیل ۳).

با توجه به نسبت اندک این موارد نسبت به کل روایات سهل - بن زیاد در کافی (حدود یک درصد) نمی‌توان با این اسناد، روایت مستقیم مؤلف را از سهل بن زیاد به اثبات رسانید، در تجرید الأسانید ۱: ۱۸۶ اشاره می‌کند که ظاهراً سهل بن زیاد از شیوخ کلینی نیست، لکن با توجه به روایات فوق (ایشان ۷ سند را ذکر کرده‌اند) این احتمال وجود دارد که کلینی اواخر زمان سهل بن زیاد را درک کرده و این روایات اندک را از وی شنیده و بعد از وفات وی بقیه روایات او را از شاگردانش اخذ کرده است.

البته مضمون آن است که واسطه در این اسناد از قلم ناسخان سهواً افتاده یا مصنف به روش معلوم خود در روایت با واسطه از سهل اعتماد ورزیده و سند را معلق نموده یا تعلیق به اعتماد اسناد دور دست می‌باشد. البته احتمال دیگری هم در برخی موارد می‌رود که در ترتیب احادیث کتاب جابه‌جایی صورت گرفته باشد. به‌هرحال، با عنایت به پراکندگی این اسناد، احتمال شاگردی کلینی نسبت به سهل، بعید می‌نماید.

«یاسناده» در اسناد کافی

عبارت «یاسناده» در اسناد کافی به دو گونه است: گونه اول: در آغاز سند واقع است. گونه دوم: در میانه سند قرار گرفته است.



و یاسناده قال قال أبو جعفر علیه السلام، من قسم له الرزق قسم له الإيمان.

نظیر روایت دوم با همان سند در کافی ۲: ۱/۳۲۱ از محمد بن عبدالرحمن بن ابی لیلی عن ابی جعفر علیه السلام قال: من قسم له الخرق حجب عنه الإيمان، این روایت - که در سند آن سقط «عن ابیه» رخ داده - و حدیث دوم ظاهراً دو قطعه از یک روایت بوده‌اند.

به هر حال، عبارت «یاسناده» اشاره به سند قبل دارد، چنانچه مرحوم مجلسی در بحار ۷۵: ۲۱/۵۶ سند را با همان سند آورده است.

مثال دوم:

کافی ۵: ۲/۳ - علی بن ابراهیم عن ابیه عن النوفلی عن السکونی عن ابی عبدالله علیه السلام قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله...

و یاسناده قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله...

آغاز حدیث دوم را صدوق در أمالی خود و ثواب الأعمال: ۴/۲۲۵ با سند خود از اسماعیل بن مسلم سکونی نقل کرده است.

مثال سوم:

کافی ۷: ۹/۳۱ - محمد بن اسماعیل عن الفضل بن شاذان عن ابن ابی عمیر عن عبدالرحمن بن الحجاج...

و یاسناده عن ابن ابی عمیر عن عبدالرحمن...

ظاهر سیاق آن است که طریقی دو حدیث یکسان است، شیخ طوسی در تهذیب ۹: ۳/۱۵۳ و استبصار ۴: ۲/۱۰۶ روایت دوم را با همان سند قبل از کلینی نقل کرده است و هم‌چنین در وسائل ۱۹:

۲۴۴۳۶/۲۰۶ و ۲۴۴۹۲/۲۳۶ با توجه به آنچه گذشت تردیدی بر جای نمی‌ماند که مراد از «یاسناده» همان بهذا الإسناد است.

در مورد قسم دوم بحثی دیگر مطرح است که مرجع ضمیر «قال» کدام است؟ به مثال‌های زیر توجه نمایید:

مثال اول:

کافی ۲: ۵/۷۹ - علی بن ابراهیم عن ابیه عن النوفلی عن السکونی عن ابی عبدالله علیه السلام قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله...

و یاسناده قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله...

شبیبه این سند در کافی متکرر است (همچون ۵: ۳/۳، ۳/۱۴۳، ۳/۳۳۲ و ۴/۵۱۷).

مثال دوم:

حمید بن زیاد عن الحسن بن محمد بن محمد بن سماعة عن وهيب بن حفص عن أبي بصير عن أبي عبدالله عليه السلام... و یاسناده قال قال أبو جعفر علیه السلام...

مثال سوم:

محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد عن علی بن النعمان عن عبدالله بن مسکان عن داود بن فرقد عن ابی سعید الزهری عن ابی - جعفر و ابی عبدالله علیهما السلام...

و یاسناده قال قال أبو جعفر علیه السلام...

مثال چهارم:

عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد عن ابن فضال عن علی بن عقبه عن ذکره عن ابی عبد الله علیه السلام قال کانت زمزم... و یاسناده قال ذکرتم زمزم عند ابی عبد الله علیه السلام فقال...

مرجع ضمیر مستتر در قال - پس از یاسناده - در مثال اول ابوعبدالله علیه السلام است که در حدیث قبلی هم ضمیر به وی بازگشته است.

در مثال دوم دو احتمال وجود دارد: احتمال اول، رجوع ضمیر به راوی آخر (ابی بصیر). احتمال دوم، رجوع ضمیر به ابوعبدالله علیه السلام، درباره این سند در توضیح الاسناد بحث کرده‌ایم.

در مثال سوم ظاهراً ضمیر به راوی اخیر (ابی سعید زهری) باز می‌گردد.

در مثال چهارم باید نحوه قرائت «ذکرتم» را در نظر گرفت، اگر این کلمه به صیغه معلوم و متکلم وحده قرائت شود: ذَکَرْتُ، ضمیر به راوی اخیر (من ذکره) باز می‌گردد، ولی اگر به صیغه



۳ است.

مثال دوم:

۷: ۴۴۸/۵ - علی بن ابراهیم عن ابيه عن النوفلي عن السكوني
عن أبي عبد الله عليه السلام...

۶ - عدة من أصحابنا عن سهل بن زياد...

۴۴۹/۷ - علی عن ابيه بإسناده عن السكوني عن أبي عبد
الله عليه السلام...

شیخ طوسی در تهذیب ۸: ۲۴/۲۸۲، ح ۷ را از کلینی نقل کرده و به جای «یاسناده» النوفلی را قرار داده است، گویا علت این امر کثرت توسط النوفلی مابین ابراهیم بن هاشم و السکونی است. ولی با توجه به این که ابراهیم بن هاشم به توسط غیر نوفلی هم از سکونی نقل می‌کند (به توسط عبدالله بن المغیره در کافی ۳: ۲/۲۵۰ و موارد دیگر در کتب دیگر، به توسط بعض اصحابه در کافی ۵: ۲/۴۷، و به توسط الحسن بن ابی‌الحسن الفارسی عن سلیمان بن جعفر الجعفری در کافی ۲: ۱/۶۰۳)، لذا مشکل است واسطه را در این سند به طور جزم «النوفلی» بیان‌کنیم.

مثال سوم:

کافی ۴: ۲/۲۸۹، علی بن ابراهیم عن ابيه و محمد بن إسماعيل
عن الفضل بن شاذان جميعاً عن ابن أبي عمير عن معاوية بن عمار
عن أبي عبد الله عليه السلام...

۳/۲۹۰ - علی بن ابراهیم یاسناده قال أشهر الحج...

صاحب معالم در منتقى الجمال ۳: ۱۴۳ می‌فرماید: در این طریق ابهام وجود دارد، زیرا احتمال می‌رود که «یاسناده» اشاره به غیر مذکور باشد. بنابراین، روایت مرسل است و محتمل است که اضافه در «یاسناده» به خاطر عهد باشد و مراد سند پیشین باشد. این احتمال اقرب است ولی به جهت کمی استعمال آن گاه ما در توضیح الاسناد درباره این عبارت آورده‌ایم که ظاهراً ح ۳ برگرفته از تفسیر قمی است، این روایت در تفسیر علی بن ابراهیم بدون نسبت به روایت ذکر شده و چون علی بن ابراهیم در تفسیر تنها به روایات اعتماد می‌کند، کلینی عبارت تفسیری وی را بسان روایتی بدون سند تلقی کرده است.

بنابراین، کلمه «یاسناده» اشاره به سند قبل نیست، به‌ویژه با توجه به عدم تکرار «قال» در آن، از این بحث روشن می‌شود که دلیلی در دست نداریم که حدیث کافی ۳: ۵/۲۳ (علی یاسناده) را اشاره به قبل بدانیم. ■

مجهول مفرد مؤنث غائب ذکر شده خوانده شود، مرجع ضمیر به آن روشنی نیست، هرچند ظاهراً بنا بر این احتمال نیز ضمیر به همان راوی آخر باز می‌گردد. بنابراین، در تمام موارد باید با دقت در شیوه تعبیر، مرجع ضمیر را تعیین نمود.

«یاسناده» در میانه اسناد کافی

این عبارت در غالب مواردی که در میانه سند واقع است اشاره به قبل نیست، زیرا در قبل از آن سندی نیست که بتوان این سند را اشاره بدان دانست. مثال:

کافی ۱: ۱/۱۹۴ - الحسين بن محمد عن معلى بن محمد...

علی بن ابراهیم یاسناده عن ابي عبد الله عليه السلام...
ولی گاه مواردی یافت می‌شود که ممکن است اشاره به سند قبل دانسته شود.

مثال اول:

کافی ۱: ۳/۳۶۸ - عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد عن ابيه عن القاسم بن محمد عن علي بن أبي حمزة عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام قال سألته عن القائم فقال كذب الوقاتون إنا أهل بيت لا نوقت. - ۴ أحمد یاسناده قال قال أبو الله إلاً أن يخالف وقت الموقتين، شاگرد کلینی، ابوعبدالله نعمانی در کتاب غیبه خود: ۱۲/۲۹۴ به نقل از کلینی با همان سند ۳ از ابی‌عبدالله علیه السلام روایت را آورده، سپس می‌افزاید: ثم قال: أبا الله إلاً أن يخلف وقت الموقتين. از این عبارت برمی‌آید که حدیث ۴ نیز اشاره به حدیث